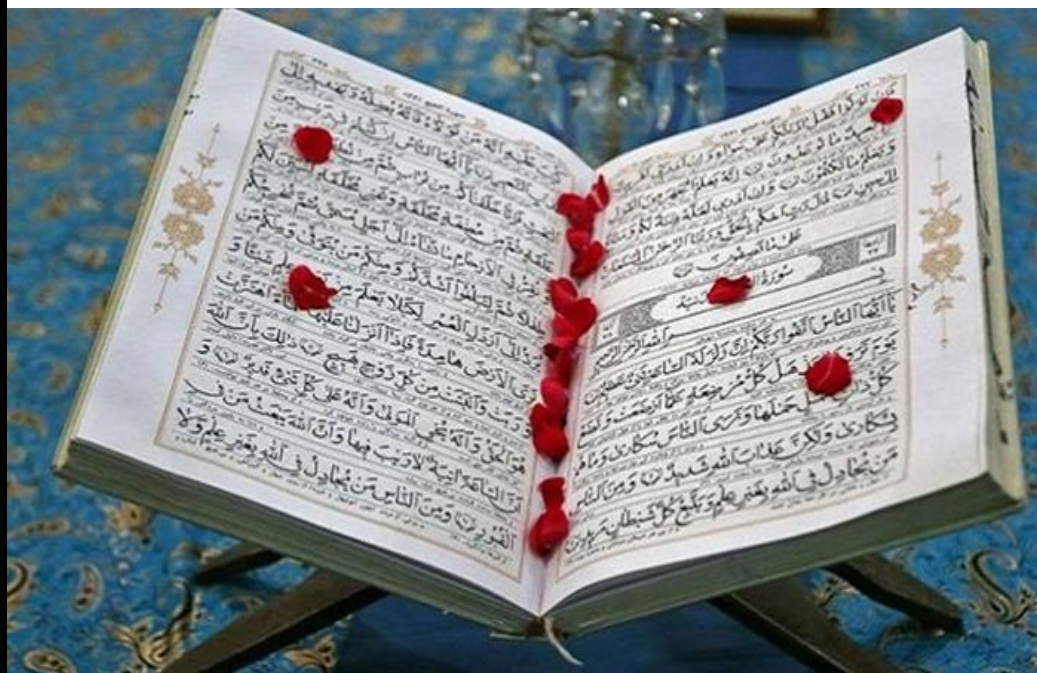


## بسم الله الرحمن الرحيم

### تفسیر نکات کلیدی در جزء بیست و پنجم قرآن کریم



#### قانون اولیه خدا در

#### پخش روزی

وَلَوْ يَسْتَطِيعُ اللَّهُ الرَّزْقَ لِعِبَادِهِ  
لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنْزِلُ  
بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ يَعْبُدُهُ خَيْرُ  
بَصِيرٍ (۲۷- شوری)

اگر خداوند روزی را برای  
بندگان وسعت بخشد، در  
زمین طغیان می کنند ولی به  
اندازه ای که مشیت او اقتضاء  
کند نازل می کند زیرا او به  
حال بندگان آگاه و بیناست.

کلمه «قَدَر» به معنای کمیت و حجم هر چیز است. پس این که می فرماید: «وَلَكِنْ يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ» به این معنا است که  
خدای تعالی هر چیز را به کمیت و حجم و مقداری که مشیتش اقتضاء کند نازل می کند.

معنای آیه شریفه این است: اگر خدای تعالی رزق همه بندگان خود را وسعت بدهد و همه سیر شوند، شروع به ظلم کردن در  
زمین می کنند؛ چون طبیعت مال این است که وقتی زیاد شد طغیان و استکبار می آورد، همچنان که در سوره علق فرموده:  
«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ» این انسان هنگامی که احساس بی نیازی کند طغیان می کند (۱) و به همین جهت  
خداوند متعال رزق را به اندازه نازل می کند و به هر کس به مقداری معین روزی می دهد؛ چون او به حال بندگان خود خبیر  
و بصیر است و می داند که هر یک از بندگان استحقاق چه مقدار از رزق را دارد و چه مقدار از غنا و فقر، مفید به حال  
اوست؛ همان را به او می دهد (۲۰).

چرا خدا به کسانی که با داشتن مال بیشتر گناه و ظلمشان هم افزون می شود باز هم مال و ثروت می دهد؟

#### یک سوال مهم در این بحث

چرا خدا به کسانی که با داشتن مال بیشتر گناه و ظلمشان هم افزون می شود باز هم مال و ثروت می دهد؟

علامه طباطبائی(ره) در پاسخ به این سوال می نویسد: این آیه بیانگر قانون اولیه خدا در توزیع ارزاق بین بندگان است که حال هر کس را می بیند و به او روزی می دهد؛ اما قوانین دیگری نیز دارد که در عالم حاکم است؛ یکی از آن قوانین قانون ابتلاء و امتحان است(۳) و دیگری قانون مکر و استدراج(۴) است.(۵) این دو قانون سبب می شود که خدا به کسانی که در سوال مطرح شد با وجود کفر و طغیان باز هم مال و ثروت عطا کند.

این بحث نقطه مقابلی هم دارد و آن اینکه چرا برخی حتی به مقدار رفع ضروریات هم از رزق و روزی الهی بی نصیبند که در پاسخ می توان به دو قانون الهی اشاره کرد؛ یکی همان قانون ابتلاء و امتحان و دیگری قانون اثر گناه(۶) که برخی با عمل خود مانند ظلم به دیگری یا ظلم پذیری چنین نتیجه ای را برای خود رقم زده اند.

کلمه «قَدَر» به معنای کمیت و حجم هر چیز است. پس این که می فرماید: «وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ» به این معنا است که خدای تعالی هر چیز را به کمیت و حجم و مقداری که مشیتش اقتضاء کند نازل می کند

### تلافی کار بد؛ کار بدی مثل آن است

جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ(۴۰- شوری)

پاداش بدی کار بدی است مانند همان؛ ولی هر که بگذرد و [میان خود و طرف مقابلش را] اصلاح نماید؛ پاداشش بر عهده خداست؛ یقیناً خدا ستمکاران را دوست ندارد.

این آیه حکم کسی را بیان می کند که ظلمی در حق او شده است بر اساس این آیه چنین کسی می تواند در مقابل ستمگر رفتاری چون رفتار او داشته باشد و چنین تلافی و انتقامی دیگر ظلم نخواهد بود(۷۰).

### نکته مهم و قابل توجه در آیه

همانگونه که در متن آیه ملاحظه می شود خداوند متعال آن کاری که برای تلافی صورت می گیرد با اینکه مجوز آن را هم صادر کرده است اما آن را «سَيِّئَةٌ؛ کاری بد و ناپسند» می نامد که سوال برانگیز است.

در پاسخ به این سوال گفته اند: از این رو هر دو عمل را سیئه و بد خوانده چون با هر کس چنین رفتار شود ناراحتش می کند، ظالم با آن کار مظلوم را ناراحت کرد و مظلوم هم با انتقام و تکرار آن کار ظالم را رنجاند، پس در آیه شریفه حقیقت معنای کلمه رعایت شده است(۸).

همانطور که این بزرگان فرموده اند مجوز انجام عملی آن از بد و آزار دهنده بودن به خوب و گوارا بودن تبدیل نمی کند. کار بد، بد است. چیزی که در این آیه بین آن دو فرق گذاشته این است که اگر ابتدایی و بدون مجوز باشد حرام است و عذاب و عقاب دارد و اگر با مجوز شرعی باشد حلال است و چون حرام نیست عقابی هم ندارد.

باید توجه داشت که این تلافی با مجوز، «واجب نیست»؛ بلکه فقط «حلال است» و شاید برای همین نکته بود که بلافاصله فرمود: «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ؛ هر کس عفو و اصلاح کند اجر و پاداش او بر خداست»

### تعداد و جنسیت فرزندان، تنها به موهبت الهی است

لِلّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ لِّلْآثَابِ وَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ الذُّكُورَ (۴۹) أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَ إِنَاثًا وَ يَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ (۵۰- شوری)

مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره خداست، هر چه را بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد دختر عطا می‌کند و به هر کس بخواهد پسر می‌بخشد؛ یا پسر و دختر را با هم می‌دهد و هر که را بخواهد عقیم می‌کند و فرزند نمی‌دهد که او دانا و تواناست.

هر چه هست از ناحیه او است اشاره کرده می‌فرماید: به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر. یا اگر بخواهد هر دو آنها را می‌دهد و هر کس را هم که مصلحت بداند عقیم و بی‌فرزند می‌گذارد

قرآن کریم برای نشان دادن این واقعیت که هر گونه نعمت و رحمت در این عالم از سوی خدا است و کسی از خود چیزی ندارد به یک قانون کلی و یک مصداق روشن آن اشاره کرده و می‌فرماید: «مالکیت و حاکمیت آسمانها و زمین برای خدا است و هر چه بخواهد می‌آفریند» و به همین دلیل همه ریزخوار خوان نعمت او هستند و نیازمند به لطف و رحمت او؛ از این رو نه غرور به هنگام نعمت منطقی است و نه یاس به هنگام مصیبت.

آنگاه به نمونه روشنی از این واقعیت که هیچ کس از خود چیزی ندارد و هر چه هست از ناحیه او است اشاره کرده می‌فرماید: به هر کس اراده کند دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد پسر. یا اگر بخواهد هر دو آنها را می‌دهد و هر کس را هم که مصلحت بداند عقیم و بی‌فرزند می‌گذارد.

به این ترتیب مردم را به چهار گروه تقسیم کرد: آنهایی که تنها پسر دارند و در آرزوی دختری هستند و آنها که دختر دارند و در آرزوی پسری و آنها که هر دو را دارند و گروهی که فاقد هر گونه فرزندند و قلبشان در آرزوی آن پر می‌کشد.

گر چه نقش بعضی از غذاها و داروها را در افزایش احتمال تولد پسر یا دختر نمی‌توان انکار کرد، ولی باید دانست که آن اثر را هم خدا در آن دارو و روشها قرار داده است و هیچ کدام خارج از علم و قدرت خدا نیستند

و این یک نمونه بارز از عدم توانایی انسان از یک سو، و نشانه روشن از مالکیت و حاکمیت و خالقیت خداوند از سوی دیگر است. گر چه نقش بعضی از غذاها و داروها را در افزایش احتمال تولد پسر یا دختر نمی‌توان انکار کرد، ولی باید دانست که آن اثر را هم خدا در آن دارو و روشها قرار داده است و هیچ کدام خارج از علم و قدرت خدا نیستند.

نکته دیگری که در آیه به چشم می‌خورد اینکه برای هر دو جنس از تعبیر «یهب؛ می‌بخشد» استفاده کرد و این دلیل روشنی است که هم دختران هدیه الهی هستند و هم پسران و فرق گذاشتن میان این دو از دیدگاه یک مسلمان راستین صحیح نیست). ۹.

**آیاتی که هنگام سوار شدن خوانده می‌شود**

لَتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۱۳) وَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ (۱۴- زخرف)

که بر پشت آن استقرار یابید و چون بر آن استقرار یافتید، نعمت پروردگارتان را به یاد آورید و بگویید: منزّه است خدایی که این را رام ما کرد که ما قدرت آن را نداشتیم و ما به سوی پروردگارمان باز خواهیم گشت.

استواء بر ظهر» به معنای استقرار بر پشت حیوان و یا هر مرکب سواری دیگر است. (۱۰) منظور از مرکب با توجه به آیه قبل (آیه ۱۲) فقط چهارپایان نیست بلکه به قرینه «کشتی» که در آیه آمده است هر گونه وسیله نقلیه را در بر می گیرد که در عصر حاضر ماشین، قطار و هواپیما از رایج ترین آنهاست.

و «ما کُنَّا لَهُ مُقَرَّنِينَ» هم مفهومی است که اگر لطف پروردگار نبود ما هرگز قادر به کنترل و اداره این مرکبها نبودیم. و اینکه در پایان دعای مومنین این چنین دارد که: «وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ؛ و بی شک ما به سوی پروردگارمان باز خواهیم گشت» برای آن است که آنها را به یاد قیامت بیندازد که امروز سوار بر وسیله ای گران قیمت شده و در زمین جابجا می شویم به یاد داشته باشیم که بالاخره تابوتی هم هست که در انتظار ماست.

«استواء بر ظهر» به معنای استقرار بر پشت حیوان و یا هر مرکب سواری دیگر است. (۱۰) منظور از مرکب با توجه به آیه قبل (آیه ۱۲) فقط چهارپایان نیست بلکه به قرینه «کشتی» که در آیه آمده است هر گونه وسیله نقلیه را در بر می گیرد که در عصر حاضر ماشین، قطار و هواپیما از رایج ترین آنهاست

در حالات امیرالمومنین علیه السلام آمده است که هنگامی که پای خود را در رکاب گذاشت فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ» و هنگامی که بر مرکب استقرار یافت این آیات را تلاوت کرد: «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقَرَّنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ» (۱۱)

از این رو مستحب است که انسان هنگام سوار شدن بر هر وسیله نقلیه ای با خواندن این آیات هم شکر خدا را بجا آورد و هم به یاد قیامت افتاده و فراموش نکند که روزی سوار بر تابوت به آن دیار باقی خواهد شتافت.

پی نوشت ها:

۱- آیات ۶-۷ سوره علق

۲- المیزان، ج ۱۸، ص ۵۶

۳- إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۵- تغابن)

۴- سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَأُمْلَىٰ لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۱۸۳- اعراف)

۵- المیزان ج ۱۸ ص ۵۶

۶- إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (۱۱- رعد)؛ وَمَا أَصْبَحُكُمْ مِنْ مَّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ (۳۰- شوری)

۷- المیزان ج ۱۸ ص ۶۴

۸- کشف زمخشری ج ۴ ص ۲۲۹. علامه طباطبایی (ره) نیز با نقل سخن او گویا پاسخ او رامی پذیرد. تفسیر نمونه هم بر این رأی است.

۹- برگرفته از نمونه ج ۲۰ ص ۴۸۲-۴۸۳

۱۰- المیزان ج ۱۸ ص ۸۷

۱۱- مستدرک الوسائل ج ۸ ص ۱۳۶

پایگاه اطلاع رسانی هیات رزمندگان اسلام

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>